



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۴، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱



مهرها و اثر مهرهای تپه خیبر روانسر، کرمانشاه

سجاد علی بیگی^۱، نیکل بریش^۲

DOI: 10.30495/peb.2023.702144

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۸

چکیده

مهرها و اثر مهرها مدارک مهمی از روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع گذشته هستند که می‌توان با مطالعه آنها اطلاعات خاصی از سطح و میزان روابط ساکنان باستانی محوطه و منطقه را با دنیای پیرامون آن به دست آورد. کشفیات پیشین در منطقه زاگرس مرکزی و به ویژه استان کرمانشاه حاکی از این است که مهرها پیشینه طولانی و ریشه‌داری دارند که در تپه گیان حداقل به دوره مس‌وسنگ قدیم باز می‌گردد. به رغم اهمیت یافته‌های چغا ماران، دهسوار و تپه تیلینه، شمار محوطه‌های شناخته شده دارای مجموعه مهرها و اثر مهرها در غرب زاگرس مرکزی بسیار اندک است و همچنان تصویر روشنی از سطح پیچیدگی‌های محوطه‌های باستانی منطقه به ویژه به استناد مهرها و اثر مهرها و همچنین فناوری و سبک تراش مهرها در این منطقه در دست نیست. نگارندگان در این مقاله کوشیده‌اند تا در این پژوهش، با روش توصیفی و رویکرد مقایسه‌ای به معرفی مهرها و اثر مهرهای تپه خیبر روانسر بپردازند، تا ضمن نشان دادن اهمیت این محوطه در میان محوطه‌های منطقه، شواهدی از چند هزار سال استفاده از ابزارهای مالکیت در این مکان را در اختیار پژوهشگران قرار دهند. یکی از پرسش‌های اساسی در رابطه با این یافته‌ها این است که این یافته‌ها مربوط به کدام بازه زمانی هستند و تاثیر کدام یک از سبک‌های مهر تراشی را نشان می‌دهند؟ مجموعه کنونی تپه خیبر شامل ۶ مهر استامپی، ۴ مهر استوانه‌ای و یک اثر مهر است که به دوره مس‌وسنگ تا دوره اشکانی تاریخی‌گذاری می‌شوند. مهم‌ترین اینها مهوری کاسی با کتیبه‌ای به خط میخی و زبان سومری است که ممکن است به شخصی عالی‌رتبه در تپه خیبر دوره کاسی (هزاره دوم پ.م) تعلق داشته است.

واژگان کلیدی: روانسر، تپه خیبر، اثر مهر، آغاز ایلامی، عصر آهن، کاسی، آشور نو.

* استناد: علی بیگی، سجاد، بریش، نیکل (۱۴۰۱). مهرها و اثر مهرهای تپه خیبر روانسر، کرمانشاه. پیام باستان‌شناس، ۱۴ (۲۷)، ۱۳۹-۱۵۴.

^{۱۱} استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول: sadjadalibaigi@gmail.com

^۲ دانشیار آشورشناسی، دپارتمان مطالعات بین فرهنگی و منطقه‌ای، دانشگاه کهنه‌گک، دانمارک.

مقدمه

برای چند هزار سال دشت ماهیدشت-کوزران یکی از کانون‌های اصلی تحولات فرهنگی و اجتماعی منطقه زاگرس مرکزی به شمار می‌رفته و استقرارهای بزرگ و کوچک پر تعداد آن حاکی از شکوفایی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این دشت پهناور حداقل از هزاره هفتم پ.م تا دوره ساسانی است. توانمندی‌های بیشمار طبیعی منطقه ماهیدشت در کنار موقعیت راهبردی آن و عبور جاده خراسان بزرگ از این ناحیه، به قابلیت‌های این دشت در دخیل شدن در امور اقتصادی و تجاری بزرگ مقیاس افزوده است. از این رو طبیعی است در بسیاری از محوطه‌های منطقه سرخ‌هایی از مدارک مادی مرتبط با مبادلات ساده تا تجارت سازمان یافته را مشاهده کرد (شکل ۱).

نگاهی به موقعیت طبیعی محوطه‌های باستانی ماهیدشت در الگوهای استقرار منطقه و توجه به متغیری چون وسعت نشان می‌دهد که حداقل از هزاره پنجم پ.م به بعد در این منطقه ما با سلسله مراتب زیستگاهی روبه رو هستیم که اوج آن در هزاره دوم و اول پ.م و در وسعت محوطه‌ها بازتاب یافته است. به رغم روشن بودن اهمیت این منطقه، اندک بودن کاوش‌ها باعث شده چیز زیادی از میزان و سطح دقیق پیچیدگی‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه ندانیم. این در حالی است که اگر شماری از محوطه‌های مهم و کلیدی دشت کاوش می‌شد اکنون می‌توانستیم علاوه بر تکیه بر الگوی استقرار بر اساس مواد فرهنگی، شیوه‌ها و سطوح تولید و همچنین تنوع دست ساخته‌های بومی و غیر بومی در این باره به بحث بنشینیم. نگاهی به انتشارات محدود پروژه ماهیدشت و گزارش‌های موجود از بررسی‌های پس از انقلاب در این محدوده نشان می‌دهد که برخی از

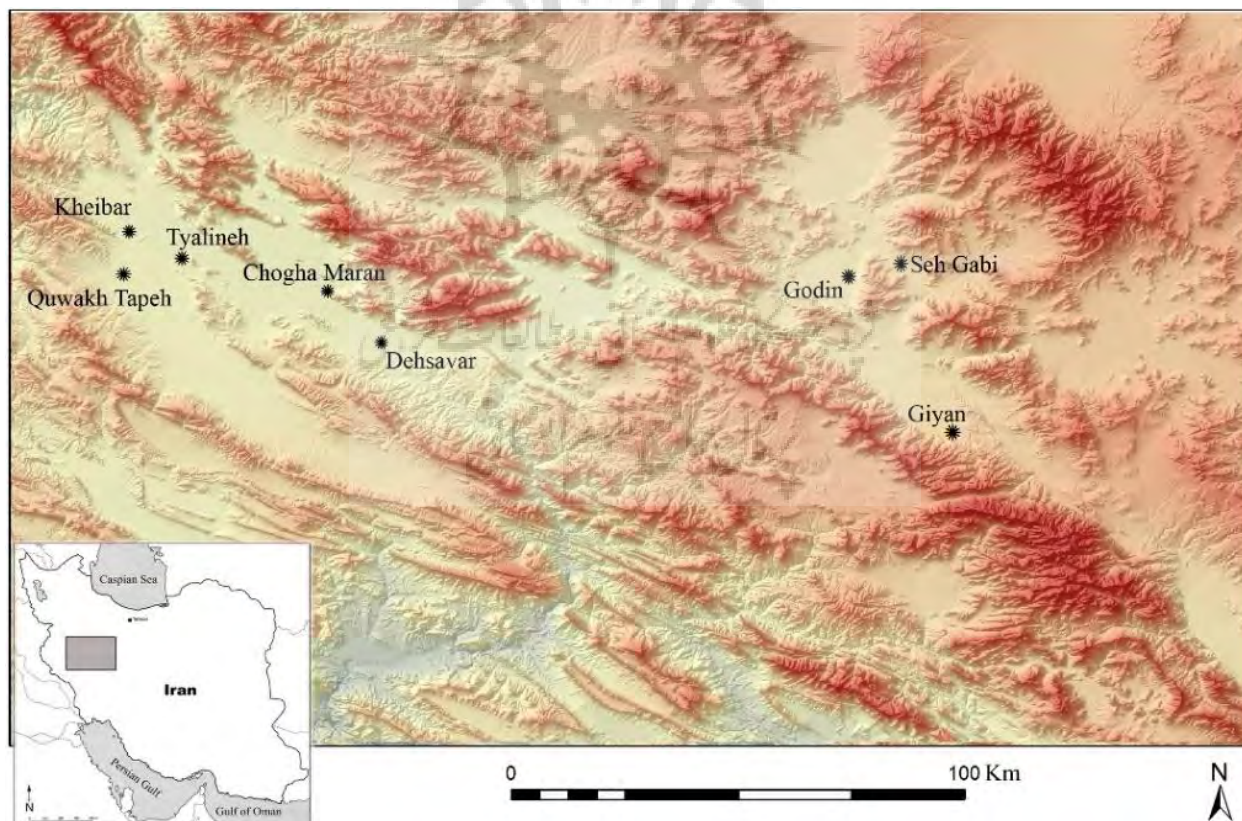
محوطه‌های دشت ماهیدشت فراتر از یک روستای مهجور، کوچک و دور افتاده بوده و بررسی مواد فرهنگی آنها نشان می‌دهد که برخی از همین محوطه‌های کوچک و بزرگ پراکنده در دشت در امور اقتصادی سازمان یافته و در شبکه‌ای از تعاملات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای درهم تنیده مشارکت داشته که اثر مهرهای جدید تپه تیلینه در کوزران نمونه بارز آن به شمار می‌رود (Khosravi et al., 2023). مجموعه مهرها و اثر مهرهای به دست آمده از گیان (Herzfeld, 1932/33; 1941; Contenaue & Ghirshman, 1935; Rashad, 1990)، چغاماران (خیایانی و نیکنامی، ۱۳۹۸؛ Pittman, 2014; Khayani and Niknami 2020; Renette, 2018; Renette et al., 2021; Khayani and Niknami, in press)، گورستان‌های هکلان و پرچینه (Haerinc and Overlaet, 1996) و تپه تیلینه کوزران (Khosravi et al., 2023) و همچنین مجموعه‌های کوچک و کم شمار سه گابی (Henrickson, 1988)، تپه نورآباد (سید سجادی و سامانی، ۱۳۷۸) و تپه دهسوار در دشت کرمانشاه (Pollock et al., 2020) نشان می‌دهد که مهرها و اثر مهرها در زاگرس مرکزی پیشینه طولانی و ریشه‌داری دارند. هر چند این دست از یافته‌ها در ارتفاعات جنوب غربی ایران و دشت خوزستان نسبتاً به خوبی مطالعه و مستند شده‌اند، اما در منطقه زاگرس مرکزی چندان به طور عمیق موضوع تحقیقات علمی به ویژه در ارتباط با ارزیابی وضعیت پیچیدگی‌های اقتصادی-اجتماعی منطقه نبوده و هنوز هم نیازمند مطالعات دقیق‌تر در این زمینه هستیم تا بتوان تصویر روشنی در این زمینه ترسیم کرد. تجزیه و تحلیل روشمند مجموعه مهرها و اثر مهرهای منطقه در بستر دست اول کشف آنها، مدارک مهمی از سطح پیچیدگی‌ها در اختیار قرار خواهد داد که می‌توان به کمک سایر مواد

تلاش شده است مهرها و اثر مهرهای تپه خيبر در شمال غربی ماهیدشت مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد تا با کشفیات بیشتر آینده در این محوطه و با کنار هم قراردادن این یافته‌ها و سایر مواد فرهنگی محوطه به بحث در خصوص تعاملات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در این محوطه پردازیم.

پژوهش حاضر از نظر ماهیت بنیادی و از نظر روش توصیفی است و تلاش می‌کند با رویکرد مقایسه‌ای به بررسی یافته‌های پژوهش پردازد. یافته‌های پژوهش از بررسی و بازدید تپه خيبر در شهرستان روانسر استان کرمانشاه به دست آمده (علی‌بیگی و بریش، ۱۳۹۷) و مهمترین آنها (مهر شماره ۱۰) در فهرست آثار ملی منقول ایران ثبت شده است.

فرهنگی، پیچیدگی‌های اقتصادی و اداری و سطح روابط تجاری-اداری منطقه با دنیای پیرامون خود را از طریق آنها درک کرد. با این حال مدارک به دست آمده از محوطه‌های دهسوار، چغا ماران، تپه خيبر، قواخ تپه، تپه تیلینه و شمار دیگری از محوطه‌های منطقه ماهیدشت حاکی از ارتباطات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دور و نزدیکی است که علاوه بر سفال، بقایای مرتبط با معماری، سنگ یادمان و اشیاء ریزشان‌زا، به طور ویژه در مهرها و اثر مهرها و گل‌نشته‌ها بازتاب یافته است.

این پژوهش قصد دارد ضمن بررسی و مطالعه مهرها و اثر مهر مکشوفه از تپه خيبر به این پرسش پاسخ دهد که این یافته‌ها مربوط به کدام بازه زمانی هستند و تاثیر کدام یک از سبک‌های مهر تراشی را نشان می‌دهند؟ در این مقاله



شکل ۱: موقعیت تپه خيبر و برخی از محوطه‌های مهم ماهیدشت تا نهند (با سپاس از سامان حیدری گوران)

تپه خبیر

تنوع زیست‌محیطی ماهیدشت و ارتفاعات پیرامون آنها زمینه معیشت‌های متنوع و مکملی را فراهم آورده که می‌توان نتیجه آن را در ابعاد و اندازه، موقعیت، میزان نهشته‌ها و همچنین در مواد فرهنگی محوطه‌های این منطقه مشاهده کرد (Khosravi et al., 2023). با توجه به ابعاد و اندازه تپه خبیر و چند هزار سال توالی استقرار در این محوطه، این مکان احتمالاً از دوره مس‌وسنگ تا دوره اشکانی مرکز مهمی در غرب دشت ماهیدشت به شمار می‌رفته است (شکل ۲). در میان یافته‌های این محوطه مهرها و اثر مهرها دسته مهمی از مواد فرهنگی هستند که مطالعه آنها می‌تواند در فهم هر چه بهتر و بیشتر وضعیت این محوطه ما را یاری کند. هر چند حفاریات غیر مجاز در تپه خبیر در حد صفر است اما اهالی روستای خبیر که در دامنه تپه سکونت دارند در بازدیدهای خود اشیاء متعددی از جمله شماری مهر و اثر مهر یافته‌اند که برخی از مهمترین آنها به هیئت کاوش تحویل گردید که اکنون در گنجینه اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه نگهداری می‌شود.

مهرهای سطحی تپه خبیر از نظر تعداد قابل توجه هستند. این نکته زمانی مهم‌تر خواهد شد که بدانیم از هیچ یک از محوطه‌های استقرار زاگرس مرکزی به جز تپه گیان این تعداد مهر حتی از کاوش‌های بزرگ مقیاس به دست نیامده است. این در حالی است که همه این مهرها سطحی است و کاوش‌های آتی نوید بخش کسب اطلاعات مهمی در این زمینه است. باید توجه داشت که ممکن است با این مهرها در طول زمان استفاده از آنها، صدها و بلکه هزاران مرسوله با ده‌ها اثر مهر سطح آنها به این سو و آن سو ارسال شده باشد. در ادامه این نوشتار مهرها و اثر مهرهای به دست آمده از این محوطه معرفی و مطالعه شده و برای تشخیص تاریخ نسبی آنها، با محوطه‌های مختلف هم‌سنجی شده‌اند.

الف) مهرهای استامپی

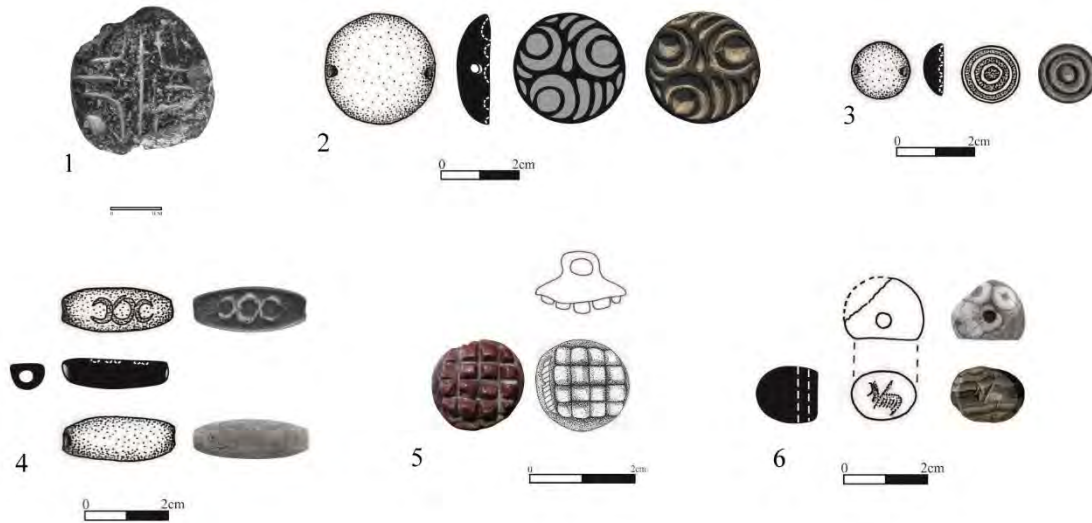
۶ مهر استامپی و اثر یک مهر استامپی از سطح تپه خبیر به دست آمده که به دوره‌های مختلفی تعلق دارند (شکل ۳ و جدول ۱). قدیمی‌ترین اینها احتمالاً به دوره مس‌وسنگ و جدیدترین اینها به دوره اشکانی تعلق دارد.



شکل ۲: نمایی از تپه خبیر، دید از شمال شرق (عکس از آرشیو پروژه باستان‌شناسی تپه خبیر، عکاس: رضا عزیزی)

جدول ۱: مشخصات مهرها و اثر مهر تپه خیر

ردیف	گونه	نقش	سبک	جنس مهر	طول به م.م	عرض یا قطر	گاهنگاری	نمونه قابل مقایسه
۱	استامپی	هندسی	آهک سیاه	۳۰	۷-۸	مس و سنگ / عصر مفرغ؟	Henrickson, 1988: Fig. 3: 73.18	
۲	استامپی	حیوانی	ماران؟	آهک سیاه	۲۸	۶	عصر مفرغ	Pittman, 2014: Fig. 3, Fig. 9e
۳	استامپی	هندسی	ماران؟	آهک سیاه	۱۳	۵	عصر مفرغ	Khayani and Niknami, 2020: 94, Fig. 2. 14
۴	استامپی	هندسی	آغاز ایلامی	آهک سیاه	۲۶	۱۰	آغاز ایلامی	عقیلی نیاکی، ۱۳۹۰: ۲۱۳، لوح ۱۴، طرح ۱۴
۵	استامپی	هندسی	چخماق؟	۱۵	۱۱	عصر آهن	Schmidt et al., 1989: Pl. 249, xvii	
۶	استامپی	حیوانی	سنگ رسوبی	۱۴×۲۰	۱۷	اشکانی		
۷	استوانه‌ای	هندسی	میتانی هندسی	خمیر شیشه	۱۲	۷	عصر آهن	Marcus, 1989: 58, Fig.13
۸	استوانه‌ای	هندسی	آهک؟	۲۸	۱۲	عصر آهن	Schmidt et al., 1989: Pl. 248, 213	
۹	استوانه‌ای	هندسی	خمیر شیشه	۲۶	۱۳	عصر آهن	طلایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱، شکل ۷۴	
۱۰	استوانه‌ای	انسانی	کاسی	خمیر شیشه	۲۵	۱۲	اواخر مفرغ / اوایل عصر آهن	Parker, 1962: 31; Pl. XIII: I.ND. 5374
۱۱	اثر مهر استامپی	هندسی	آشور نو	گل	۲۱	~۲۰	عصر آهن (آشور نو)	Parker, 1955: 123, Fig. 25



شکل ۳: مهرهای استامپی (عکس از حسین چراغی آقا، طرح از سمیه زینعلی)

مهر شماره ۱

(Schmidt 1937 Pl. XCI. H 333)، سه گایی
 (Henrickson 1988: Fig. 3: 73.18; Pl. 1.c)، لرستان
 (Schmidt et al., 1989: Pl. 77. IX)، جعفرآباد
 (Dollfus 1973; RA 67,5, Abb. 2/1)، تپه جمشیدی
 (Contenau and Ghirshman, 1935: Pl. 73) و شمار
 دیگری از محوطه‌های دوره مس و سنگ و مفرغ ایران به
 دست آمده است.

این نقوش بر سطح بسیاری از مهرهای دوره مس و سنگ و
 مفرغ و حتی دوره آهن نیز دیده شده و به دلیل به دست
 نیامدن آن در بافت باستان‌شناسی، انتساب آن به یکی از
 دوره‌های پیش گفته دشوار است. با این حال با توجه به
 تکنیک ابتدایی تراش این مهر ممکن است این مهر به
 دوره‌های قدیمی‌تر استقرار در محوطه تعلق داشته باشد.

مهر شماره ۲

این مهر از نوع مهرهای استامپی تخت است و از سنگ
 آهک سیاه مرغوب تراشیده شده است. شکل این مهر
 مدور و سطح پشتی آن محدب است. قطر این مهر ۲۸ و
 ضخامت آن ۶ میلی‌متر اندازه‌گیری شده و حفره‌ای افقی به

این مهر از نوع مهرهای استامپی و تخت است که حفره‌ای
 افقی برای عبور نخ در آن ایجاد شده است. مهر نسبتاً بیضی
 شکل است و قطر بزرگ‌تر آن ۳۰، قطر کوچک‌تر آن ۲۷
 و ضخامت آن حدود ۷ میلی‌متر اندازه‌گیری شده است. مهر
 از سنگ آهک سیاه با کیفیت متوسط تراشیده شده است.
 بر سطح مهر، یکی از رایج‌ترین نقوش مایه‌های رایج بر
 سطح مهرهای استامپی دوره پیش از تاریخ دیده می‌شود.
 این نقوش عبارتند از خطوط دال مانند موازی که سطح مهر
 را به چهار قسمت تقسیم کرده است (شکل ۳: ۱). آنگونه
 که پیداست نقوش مهر با استفاده از ابزار سنگی و ظاهراً به
 وسیله جلو و عقب بردن این ابزار ایجاد شده است. به عنوان
 نمونه این نوع مهر از گیان (هرتسفلد ۱۳۸۱: لوحه
 شانزدهم؛ Herzfeld 1932/33. p. 88. Abb. 15: 2385;
 P. 89 Abb. 16: 216, 2684; Contenau and
 Ghirshman, 1935: Pl. 38. No. 23, 41
 Amiet 1972: Pl. 1. 157; شکل ۲۳؛ هرتسفلد ۱۳۸۱)
 (Rashad 1990: 144: Abb 17. 1066)، حصار

هندسی متشکل از سه نیم دایره به هم پیوسته حکاکی شده است. دایره مرکزی اندکی بزرگتر و دو دایره ناقص کناری اندکی کوچکتر طراحی شده‌اند. مهر ۲۶ طول، ۱۲ میلی‌متر عرض و ۶ میلی‌متر ضخامت دارد و در امتداد محور طولی دارای حفره‌ای به قطر ۳ میلی‌متر است (شکل ۳: ۴). بر روی یکی از قفل‌های گلی در مربوط به دوره آغاز ایلامی محوطه قلی درویش قم اثر مهری کاملاً مشابه با این مهر دیده می‌شود (عقیلی نیایی، ۱۳۹۰: ۲۱۳، لوح ۱۴، طرح ۱۴)، از این رو به نظر می‌رسد که مهر شماره ۴ تپه خیر می‌توان به حوالی ۳۰۰۰ پ.م و فرهنگ آغاز ایلامی تعلق داشته باشد. با وجود سفال‌های اواخر هزاره چهارم پ.م در تپه خیر و همچنین مجموعه بزرگ اثر مهرهای آغاز ایلامی در تپه تیلینه در همین نزدیکی و اثر مهر آغاز ایلامی تپه موسوم به چیا نرگس (چیا انگلیسه) ماهیدشت (بازدید شخصی)، انتساب این مهر به فرهنگ آغاز ایلامی منطقی است.

مهر شماره ۵

این مهر عبارت است از یک مهر دکمه‌ای شکل استامپی که احتمالاً از سنگ چخماق جگری نسبتاً مرغوب تراشیده شده است. این مهر کوچک ۱۵ میلی‌متر قطر و ۱۱ میلی‌متر ضخامت دارد و در پشت آن دسته کوچکی برای نگه داشتن مهر وجود دارد که حفره‌ای به قطر ۳ میلی‌متر در وسط آن تعبیه شده است. سطح مهر به صورت شبکه‌ای از نقوش هندسی و شطرنجی حکاکی شده است (شکل ۳: ۵). نمونه مهرهایی با این نقش از دوره مس و سنگ تا دوره آهن تولید می‌شده است و به عنوان نمونه از تپه گیان قبرستان (Madjidzadeh, 2008: Fig. 55.1)، سرخ‌دم لری (Schmidt et al., 1989: Pl. 249, xvii) به دست

قطر ۳ میلی‌متر در امتداد قطر مهر ایجاد شده است. بر سطح مهر نقش یک بز با شاخ‌های بلند پیچ خورده دیده می‌شود که گویی در یک حرکت دوار دو بار دیگر این نقش تکرار شده است (شکل ۳: ۲). هر چند نقش مهر با ظرافت و دقت بالایی ترسیم شده، و از این حیث با اثر مهرهای چغا ماران نسبتاً متفاوت است، اما الگوی نقش بی شباهت به اثر مهرهای با نقش بز با شاخ‌های بلند چغا ماران (Pittman, 2014: Fig. 3, Fig. 9e و همچنین ارسالان تپه نیست (Frangipane, 2007: 255, Fig. III. 11. No.77; 258,) (Fig. III. 13. 43). نمونه اندکی مشابه با این مهر، اثر یک مهر بر قطعه سفالی از دوره مفرغ (لایه ۹ دوره II در آکروپل شوش) است (کانال، ۱۳۷۶: ۴۶، شکل ۲۵: ۵).

مهر شماره ۳

مهر مورد نظر از نوع مهرهای استامپی و تخت است که پشت آن دارای شکلی عدس مانند و محدب است. این مهر کوچک ۱۳ قطر و ۵ میلی‌متر ضخامت دارد و درست مشابه مهر شماره ۲ از سنگ آهک سیاه مرغوب تراشیده شده است. بر سطح این مهر نقش سه دایره تو در تو ترسیم شده که هر یک حدود دو میلی‌متر ضخامت و به همین اندازه از دایره بزرگتر از خود قطر دارند (شکل ۳: ۳). نقوش سطح این مهر تا حدودی مشابه اثر مهرهای به دست آمده از چغا ماران (Khayani and Niknami, 2020: 94, Fig. 2. 14) و تپه تیلینه (Khosravi et al., 2023) است. با توجه به نوع و نقش مهر و همچنین نمونه‌های مشابه این مهر احتمالاً مربوط به هزاره سوم پ.م و دوره مفرغ است.

مهر شماره ۴

در میان مجموعه مهرهای استامپی تپه خیر یک مهر استامپی تخت وجود دارد که از نظر شکل بیضی مانند با انتهای قطع شده است. این مهر از سنگ آهک سیاه با کیفیت نسبتاً مرغوب تراشیده شده و بر سطح آن نقشی

باشد (شکل ۳: ۶). این سبک ترسیم اسب بال در هنر دوره اشکانی و ساسانی رایج است، اما در مهرهای با این نوع نقش، مهرها اغلب پرکار تر، دارای کتیبه و همچنین جزئیات هنری دقیق‌تری هستند که گاهنگاری آنها را آسان‌تر می‌کند، ولی در نمونه تپه خیر به دلیل نبود این موارد، تعیین قدمت دقیق این مهر و انتساب آن به دوره اشکانی یا ساسانی دشوار است. تنها می‌توان به این موضوع استناد جست که به استناد یافته‌های سفالی سطحی و همچنین بقایای حاصل از دو فصل کاوش در این محوطه، خیر دارای بقایای مهم و گسترده‌ای از دوره اشکانی است، اما در عوض شواهدی از دوره ساسانی در این محوطه وجود ندارد. از این رو می‌توان با احتیاط این مهر را به دوره اشکانی منتسب دانست.

ب) مهرهای استوانه‌ای

از سطح تپه خیر تاکنون چهار مهر استوانه‌ای به دست آمده که سه مورد آنها دارای نقوش هندسی و یک مورد دارای نقوش انسانی با کتیبه‌ای به خط میخی است (شکل ۴ و جدول ۱).



شکل ۴: مهرهای استوانه‌ای (عکس از حسین چراغی آقا، طرح از سمیه زینعلی)

روشن ساخته شده و سطح آن دارای نقوش هندسی به صورت شبکه‌ای از خطوط مایل با الگوی شطرنجی است (شکل ۴: ۱).

آمده است. با توجه به ناچیز بودن بقایای دوره مس و سنگ در تپه خیر و رونق محوطه در عصر آهن، این احتمال که مهر مورد بحث به دوره آهن تعلق داشته باشد، بیشتر است. همچنین باید اضافه کرد که ایجاد چنین نقوش برجسته‌ای بر سطح مهر، در دوره مس سنگی اگر ناممکن نبوده، بلکه بسیار دشوار بوده است.

مهر شماره ۶

این مهر نیز از نوع مهرهای استامپی و تخت است که از سنگ رسوبی رگه رگه‌ای به رنگ طوسی با لکه‌های سفید تراشیده شده است. مهر از نوع مهرهای متعلق به دوره تاریخی است که به صورت قطعاً نسبتاً مدوری است که یک بخش آن برش خورده و در سطح صاف شده آن، نقش یک اسب به تکنیک خطی کنده شده است. بر سطح مهر نیم رخ چپ این اسب به شکل ساده نمایش داده شده است. یال، دنده‌ها و پاهای حیوان در حکاکی مشخص است، اما دست‌های حیوان ترسیم نشده و چیزی از جزئیات چهره مشخص نیست. بر روی بدن حیوان خطی رو به بالا ترسیم شده که ممکن است هدف از آن، نشان دادن بال‌هایی چون حیوانات اسطوره‌ای برای این اسب بوده

مهر شماره ۷

این یافته مهر استوانه‌ای کوچکی به ارتفاع ۱۲ و قطر ۷ میلی‌متر است که حفره‌ی به قطر حدود دو میلی‌متر در امتداد طولی آن وجود دارد. مهر از خمیر شیشه به رنگ آبی بسیار

(طلایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱، شکل ۷۴) به دست آمده است و منطقی است به همین دوره منتسب گردد.

مهر شماره ۹

این مهر از خمیر شیشه ساخته شده و به رنگ شیری است. مهر ۲۶ میلیمتر بلندا، ۱۳ میلیمتر قطر دارد و سوراخی به قطر ۳ میلیمتر در امتداد طولی آن وجود دارد. نقوش مهر در میان دو ردیف خط افقی محصور شده که حالت یک کادر برای نقوش سطح مهر ایجاد نموده است. نقوش سطح مهر متشکل از شماری خط مایل کوتاه است که چیدمان آنها نوعی نقش هندسی نزدیک به لوزی‌های تودرتو ایجاد می‌کند (شکل ۴: ۳). در نگاه کلی نقش این مهر بی شباهت به مهر شماره ۸ نیست، با این تفاوت که نقوش سطح مهر شماره ۸ منظم‌تر و دقیق‌تر از این مهر است. نمونه‌های کم و بیش مشابه با این مهر از بایزیدآباد (Amelirad and Khanmohamadi 2016: 128, Fig. 114-15)، گورستان صرم (ساعدموچشی، ۱۳۹۴: ۱۸۱، تصویر ۵) و چنگبار (طلایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱، شکل ۷۴) به دست آمده است. بر این اساس می‌توان مهر شماره ۹ خیبر را به دوره آهن II تاریخگذاری کرد.

مهر شماره ۱۰

یکی از این یافته‌های مهم در این مجموعه، مهر استوانه‌ای کتیبه‌داری به خط میخی است که از خمیر شیشه ساخته شده و از دامنه جنوبی تپه به دست آمده است.^۴ این مهر ۲۵ میلیمتر ارتفاع و ۱۲ میلیمتر قطر دارد و حفره‌ای به قطر ۳ میلیمتر در امتداد طولی آن برای عبور نخ ایجاد شده است. بر سطح مهر تصویری از یک شاه و یک الهه دیده می‌شود که در کنار آنها کتیبه‌ای میخی به زبان سومری در چهار به

نمونه‌های این سبک مهر از شمار زیادی از محوطه‌های عصر آهن به ویژه در فلات مرکزی، غرب و شمال غرب ایران نظیر گورستان سلیک (گیرشمن، ۱۳۸۹: ۳۳۴، لوح ۹۵، S.1335C؛ ۳۳۶، لوح ۹۷، S.1573)، صرم (ساعدموچشی، ۱۳۹۴: ۱۹۱، ۴)، سرخ دم‌گری (Schmidt et al., 1989: Pl. 248, 215)، گورستان چنگبار در نزدیکی زیویه (طلایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱، شکل ۷۴)، حسنلو (Marcus, 1989: 58, Fig.13; 1990: Fig. 31c) IVb گور بایزیدآباد (گروه ۴ بایزیدآباد، Amelirad and Khanmohamadi 2016: 125, Fig. 21, 22, 23, 24; 125: Fig. 25, 26) به دست آمده است.^۲ بر اساس نمونه‌های قابل مقایسه این مهر به قرون پایانی هزاره دوم تا ربع ابتدایی هزاره نخست پ.م یعنی عصر آهن II قابل تاریخگذاری است.

مهر شماره ۸

این مهر استوانه‌ای که از سنگ آهکی کرم رنگ تراشیده شده و کیفیت تراش نسبتاً بالایی دارد ۲۸ بلندا و ۱۲ میلیمتر قطر دارد و سوراخی به قطر حدود ۳ میلیمتر در میان آن تعبیه شده است. نقش مهر متشکل از خطوط کوتاهی است که ترکیب آنها گویی ردیفی از دو لوزی تو در تو را نشان می‌دهد که پیوسته در گرداگرد مهر تکرار شده است. نقوش در میان دو باند افقی باریک که کادری را برای نقوش مهر مشخص می‌کرده، محصور شده است (شکل ۴: ۲). این نوع مهر از شماری از محوطه‌های عصر آهن II و III نظیر سرخ دم‌گری (Schmidt et al., 1989: Pl. 248, 213)، بنای زندان سلیمان (فن دراوستن و ناومان، ۱۳۷۳: ۷۳، لوح ۴۳ آ) و گورستان چنگبار در نزدیکی زیویه

^۴ این اثر در فهرست آثار ملی متقول ایران به ثبت رسیده است.

^۲ گسترده استفاده از این نوع مهر با تزئینات شطرنجی تافلسطین هم دیده می‌شود (Parker, 1949: Pl. XXVII: 188-189).

شکل سطر عمودی حک شده است. هفت دایره کوچک (خوشه پروین) بر سطح مهر دیده می‌شود. شاه ردایی بلند بر تن و سلاحی (گرزی) در دست چپ و عصای سلطنتی در دست راست دارد. تصویر الهه کنار وی از نمای روبه‌رو ترسیم شده است. این شخص کلاه مدوری بر سر دارد، دستان خود را بر روی سینه‌های خود قرار داده و به شکل تقریباً برهنه نمایش داده شده، به طوری گویی تنها بخش شرمگاه وی پوشیده است. در میان این دو و روبه‌روی صورت آنها یک شکل تقریباً مثلث مانند یا بیشتر شبیه نوک یک پیکان حکاکی شده است که اغلب از آن به عنوان خرمگس یا ملخ یاد می‌شود (شکل ۶-۵).
کتیبه این مهر به شرح ذیل است:

۱. (به) شمش، سرور بزرگ

۲. کسی که در آسمان‌هاست، یا خدا، که در

آسمان‌هاست

۳. او که همه چیز را می‌داند

۴. اوایی که بیش از همه بخشنده است

همچون اغلب مهرهای کاسی مضمون نوشته روی مهر، نیایش برای صاحب مهر است. در این مهرها معمولاً نام صاحب مهر ذکر نمی‌شد (تاییتا، ۱۴۰۰). از این رو در غیاب نام صاحب مهر در خصوص تعلق مهر به شخصی خاص، بی اطلاع هستیم. به طور کلی کتیبه مهر به نحوی تراشیده شده که خواندن آن از روی مهر امکان‌پذیر است نه از روی

اثر آن. چنین موضوعی در یک مهر بزرگ دوره بابل جدید که به قرن ۹ پ.م منتسب است نیز دیده می‌شود. ظاهراً این شیوه حکاکی مهر در هزاره نخست پ.م رایج بوده است (کولون و پرادا، ۱۳۹۴: ۴۴).

مهر از نظر شمایل‌نگاری به گروه مهرهای سبک قدیمی‌تر کاسی شباهت دارد و بیشتر شبیه مهرهای سبک نوزی است. آنچه مهر خیبر را به سبک نوزی نزدیک‌تر می‌کند تصویر برهنه الهه‌ای است که از روبه‌رو نقش شده است. ظرافت به کار رفته و جامه بلند فرد تصویر شده بر روی این دست از مهرها به عقیده تاییتا متأثر از سبک حکاکی منطقه میانی فرات (قرن ۱۷ ق.م) در زمان پادشاهی خانا است (تاییتا، ۱۴۰۰). با این حال، این مهر از نظر جنس در گروه مهرهای شبه کاسی قرار می‌گیرد. تاییتا اشاره دارد مهرهای شبه کاسی عمدتاً از خمیر شیشه ساخته شده‌اند به دلیل مشابهت‌های شمایل‌شناختی تقریباً با مهرهای گروه اول^۵ کاسی در شمال بین‌النهرین هم‌دوره هستند. شمایل‌نگاری مهرهای گروه شبه کاسی برگرفته از گروه اول مهرهای سبک کاسی است اما با روشی مستقل ساخته شدند. استفاده از خمیر شیشه نشان می‌دهد که مهرها کاربری رسمی نداشتند، سبک حکاکی و هم‌زمانی آنها با برخی مهرهای نفیس گروه دوم مهرهای کاسی، حاکی از آن است که مهرهای شبه کاسی کم‌بهارتر بودند و دسترسی به آنها آسان‌تر بود (تاییتا، ۱۴۰۰).

فرد سلاحی بلند در دست دارد) و احتمالاً این فرد یک خدا (با تاج شاهی) است و اگر بیش از یک فرد در تصویر باشد، آن فرد (شاه) همواره از مقامی پایین‌تر از خدا قرار دارد (Matthews, 1990: 28). هنگامی که خدا نشسته بر تخت یا ایستاده در سمت راست است شاه (در سمت چپ) بر روی زمین زانو زده است.

^۵ گروه اول، عمدتاً از طریق آرشیو اثر مهرها در نوزی (Porada 1947, group XIX, nn.678-708) شناخته شده‌اند، صحنه‌ها شاه و خدا را در مقابل هم نشان می‌دهد، به گونه‌ایی که از لحاظ مقام در یک سطح قرار دارند (Porada, 1970: 10).
در گروه دوم به دست آمده از نیبور، اغلب تنها یک فرد به تصویر کشیده شده است (در مهرهای به دست آمده از شمال بین‌النهرین این

مشابه مهری کاسی با قدمت قرن ۱۴ پ.م است (تایبیتا، ۱۴۰۰: شکل ۳؛ Matthews, 1948, n. 570; Porada, 1948, n. 570; CANES 570: 76, 1990)، اما نمونه بسیار مشابه این مهر از معبد نینورتا در نمرود به دست آمده که به اوایل دوره کاسی‌ها منتسب شده است (Parker, 1962: 31; Pl. XIII: I.ND. 5374). از این رو شاید بتوان مهر مورد نظر را به اواخر قرن ۱۵ ق.م تا قرن ۱۴ ق.م تاریخگذاری نمود.

هر چند در خصوص محل تراش و ساخت این نوع مهرها در حال حاضر اطلاعاتی نداریم اما اعتقاد بر این است که مهرهای سبک شبه کاسی و سبک اول کاسی تولید محلی بودند.

مهر خیر نمونه‌های کم و بیش مشابه متعددی دارد (برای نمونه: Porada, 1947: Pl. XXVIII. 559; Pl. XXXV. 699; Matthews, 1992: 9). به عنوان نمونه این مهر تقریباً



شکل ۵: مهر استوانه‌ای شماره ۱۰ (عکس از حسین چراغی آقا)



شکل ۶: اثر امروزی مهر استوانه‌ای شماره ۱۰ (عکس از حسین چراغی آقا)

اثر مهر

از سطح بخش شرقی تپه خیر قطعه‌ای از یک اثر مهر شکسته به دست آمده است. این یافته، قطعه گلی به ابعاد 30×22 و ضخامت حدود ۷ میلیمتر است که بر سطح آن اثر یک مهر استامپی با نقش یک گل چهار پر دیده می‌شود (شکل ۷). نمونه مهرهایی با چنین نقشی از محوطه آشوری نمرود در شمال بین‌النهرین به دست آمده است (Parker, 1955: 123, Fig. 25). هر چند این مهر ساده و نمونه‌های اندکی از آنها به دست آمده، اما بر اساس وجود بقایای دوره آشور نو در تپه خیر، انتساب آن به دوره آشور نو منطقی است. آنالیز خاک این نمونه در آینده می‌تواند اطلاعات مهمی در خصوص منشاء این اثر مهر و محدوده تقریبی سرزمینی که این اثر از آن آمده است را مشخص کند. با توجه به ماهیت تپه خیر و جایگاه آن در عصر آهن، و همچنین یافته‌هایی چون تابوت مفرغین سراب قره دانه، قاب سنگی دور پاشنه‌در و همچنین سنگ یادمان آشوری مکشوفه از قواخ تپه در غرب ماهیدشت (منطقه کوزران) (Alibaigi et al., 2023)، وجود ارتباطات با سرزمین آشور کاملاً قابل درک خواهد بود.



شکل ۷: اثر مهر استامپی دوره آهن (آشور نو) بر یک قطعه گل (عکس از سجاد علی‌بیگی)

نتیجه‌گیری

مهرها و اثر مهرها فراتر از نشان دادن وجود ارتباطات منطقه‌ای یا فرا منطقه‌ای، مدارک مستقیمی از پیچیدگی‌های اقتصادی و سرنخی از نوع و سطح پیچیدگی ساختارهای سازمان‌دهنده واقع در پس آنها هستند که اگر در بافت دست اول خود کشف شوند، زمینه تحلیل‌های علمی را به خوبی فراهم می‌کنند. این یافته‌ها بیش از هر ماده فرهنگی دیگری می‌تواند باستان‌شناسان را در خصوص بازنمایی مالکیت خصوصی و سازمانی و همچنین، کنترل و نظارت بر چنین اموری راهنمایی نماید.

مدارک باستان‌شناختی موجود از ماهیدشت نشان می‌دهد که مراکز اداری یا محوطه‌های مهمی در منطقه وجود داشته که با توجه به مهرها و اثر مهرهای مکشوفه از آنها، درگیر فعالیت‌های اقتصادی و ارتباطات تجاری و مدیریت اداری بوده‌اند. هر چند به دلیل عدم انجام کاوش نمی‌دانیم که اغلب این محوطه‌ها از چه سطحی از پیچیدگی‌های اقتصادی و سیاسی یا ارتباطات فرهنگی-اقتصادی برخوردار بوده‌اند اما هر چه هست، می‌دانیم از هزاره پنجم پ.م تا هزاره سوم پ.م نهادهای اداری در محوطه‌هایی چون دهسوار، تیلینه و ماران در ماهیدشت وجود داشته که مدارک مربوط به چند هزار سال تحولات مدیریت اقتصادی و سیاسی را در اختیار قرار داده‌اند. مهرها و اثر مهرهای جدید مکشوفه از تپه خیر احتمالاً حاکی از استمرار این سنت در دوره‌های بعد نیز هست، اما برای درک دقیق سطح و میزان پیچیدگی‌های اقتصادی-اجتماعی و سیاسی منطقه باید منتظر نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی آتی در این مکان ماند.

هر چند در حال حاضر بافت اداری یا بستر دست اولی حاوی مهرها و اثر مهرها در تپه خیر کاوش نشده اما بر

یکی از مهرها را به نگارندگان معرفی کرد که از ایشان نیز سپاسگزاریم.

منابع

تابیتا، جاکومو ماریا (۱۴۰۰). بررسی آیکونوگرافی و سبک‌شناسی: روشی برای آنالیز کاربری و گاهنگاری مهرهای استوانه‌ای کاسیت (۱۶۰۰-۱۲۰۰ پ.م.). پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۳۰، ۱۰۱-۱۲۶.

خایانی، علی، نیکنامی، کمال‌الدین (۱۳۹۸). سازمان اداری تپه چغاماران ماهیدشت در عصر مفرغ قدیم: پیشنهاد یک فرضیه. مطالعات باستان‌شناسی، ۱۱(۲)، ۹۷-۱۱۶.

ساعدموچشی، امیر (۱۳۹۴). سبک‌شناسی مهرها و اثر مهرهای عصر آهن و فلات مرکزی ایران. پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، ۱۱-۱۰، ۲۰۵-۱۸۷.

سید سجادی، سید منصور، سامانی، نوروز علی (۱۳۷۸). گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد، لرستان. در عزیززاده، عباس، مجیدزاده، یوسف، صادق ملک شه‌میرزادی، باستان‌شناسی و هنر ایران، ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۰-۸۵.

عقیلی نیکی، شیرین (۱۳۹۰). اسناد محاسباتی مرتبط با فن مدیریت اقتصادی در قلی درویش II در سیامک سرلک، باستان‌شناسی و تاریخ قم. قم: شاخص، ۱۴۷-۲۲۶.

طلایی، حسن (۱۳۹۲). مهر در ایران، از آغاز تا اسلام. تهران: سمت.

کانال، دنی (۱۳۷۶). صُفَه مرتفع آکروپل شوش. در شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی (سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی از هزاره هفتم قبل از میلاد تا یورش

اساس ابعاد و اندازه محوطه و تنوع بالای مهرها در این محوطه می‌توان فرض کرد که خبیر از جمله مراکز مهمی در ماهیدشت بوده که احتمالاً در شبکه‌ای از مبادلات تجاری سازمان یافته مشارکت داشته است. این مهم به ویژه با وجود مهر گل‌نبشته‌ای میخی و همچنین مهر کاسی تپه خبیر تقویت می‌شود. بررسی سبک‌شناختی مهرها و اثر مهرهای مکشوفه از تپه خبیر ارتباطات فرهنگی و تعاملات فرامنطقه‌ای با سایر نواحی را از دوره مس و سنگ تا عصر آهن را نشان می‌دهد چیزی که در سایر مواد فرهنگی محوطه نیز بازتاب دارد. با این حال امیدواریم با تکمیل داده‌های مرتبط با این موضوع، همچون بررسی و مطالعه مجموعه حاضر رفته‌رفته مدارک بیشتری در این زمینه به دست آید تا بتوان به کمک آن پرتویی بر نقش ساکنان تپه خبیر در امور مبادلاتی و بازرگانی در اواخر دوره پیش از تاریخ تا دوره تاریخی افکند.

سپاسگزاری

برخی از یافته‌های مورد بررسی در این نوشتار توسط اهالی محترم روستای خبیر و ملک‌شاه در اختیار هیئت کاوش قرار گرفت و یا پیشتر تحویل اداره کل میراث فرهنگی استان کرمانشاه شده است. بدون تردید، این موضوع نشان از آگاهی اهالی از ارزش‌های تاریخی محوطه و درک فرهنگی درست این عزیزان از میراث فرهنگی این سرزمین است. نگارندگان ضمن ابراز خرسندی از این حرکت شایسته، وظیفه خود می‌دانند، از این عزیزان قدردانی ویژه نمایند. ما همچنین، از خانم سمیه زینعلی و آقای ناصر امینی خواه برای طراحی مهرها، از آقای حسین چراغی برای عکاسی برخی از مهرها و از آقای دکتر امیر ساعد موچشی برای خواندن این مقاله متشکریم. علی خایانی نمونه مشابه

Stylistic features of the 'Arslantepe Glyptics, In M. Frangipane (ed.), *Arslantepe Cretulae. An Early Centralised Administrative System before Writing (Missione Archeologica Italiana nell'Anatolia Orientale, Arslantepe V)*. Roma, 243- 284,

Haerincq, E., & Overlaet, B. (1996). The Chalcolithic Period, Parchineh and Hakalan. Luristan Excavation Documents 1. Brussels: Royal Museum of Art and History.

Henrickson, E. (1988). Chalcolithic seals and sealings from Seh Gabi, Central Western Iran. *Iranica Antiqua*, 23, 1-19.

Herzfeld, E. (1932/33). Aufsätze zur altorientalischen Archäologie. *AMI*, 5, 80-104.

Khayani, A., & Niknami, K. (2020). Early Bronze Age Clay Sealings from Chogha Maran, the West Central Zagros: A Preliminary Analysis. *Journal of Near Eastern Studies*, 79(1), 89-98.

Khayani, A. and Niknami, K. (in press). More Early Bronze Age Seal Impressions from Choga Maran, Western Central Zagros. *IRAN*, doi: 10.1080/05786967.2020.1847000.

Khosravi, Sh., Alibaigi, S., Doosti, M., Pittman, H., Aminikhah, N., & Khayani, A. (2023). Tapeh Tyalineh: A Proto-Elamite Administrative Center on the Great Khorasan Road, Kermanshah- Iran. *Journal of the Royal Asiatic Society*, doi:10.1017/S1356186322000803.

Madjidzadeh, Y. (2008). *Excavations at Tepe Ghabristan, Iran*. IsMEO, Rome.

Marcus, M. I. (1989). Emblems of Authority; The Seal and Sealing from Hasanlu IVb. *Expedition*, 31(2-3), 53-63.

Marcus, M. I. (1990). Glyptic Style and Seal Function: The Hasanlu Connection. *Aegaeum*, 5, 175-196.

Matthews, D. M. (1990). *Principles of composition in Near Eastern Glyphic of the later second Millennium BC* (Vol. 8). Göttingen: Universitäts verlag/Vandenhoeck & Ruprecht.

Matthews, D. M. (1992). *The Kassite Glyptic of Nippur* (Vol. 116). Göttingen: Universitäts verlag/Vandenhoeck & Ruprecht.

مغول)، گزارش سمینار بین‌المللی شوش و سمینار بلو. زیر نظر ژان پرو و ژینیویو دلفوس، ترجمه هایدی اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۴۰-۴۸.

کولون، دومینیک، پرادا، ادیت (۱۳۹۴). مهر در خاور نزدیک و ایران باستان. ترجمه پوریا خدیش. تهران: علمی فرهنگی.

گیرشمن، رومن (۱۳۸۹). سیلک کاشان. جلد دوم، ترجمه اصغر کریمی. کاشان: مرسل.

فن دراوستن، هانس هینینگ، ناومان، رودلف (۱۳۷۳). تخت سلیمان. ترجمه فرامرز نجدسمعی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور.

هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Alibaigi, S. MacGinnis, J. D. A. Brisch, N. Levine, L. D. Rezaei, I. and Ghanbari, B. 2023. Sargon II in Mahidasht, New evidence from Quwakh Tapeh, Kermanshah. *Zeitschrift für Assyriologie*, 113/1, 1-21.

Amiet, P. (1972). *Glyptique Susienne* (Mémoires de la Délégation archéologique en Iran 43). Paris. Vol II- Planches.

Amelirad, Sh., and Khanmohamadi, B. (2016). The Seals of Bayazid Abad (Bayazi Awa) Tomb. *Ancient Near Eastern Studies*, 53, 113-136.

Contenau, J. and Ghirshman, R. 1935. *Fouilles du Tépé-Giyan près de Néhavend 1931 et 1932*. Paris: Paul Geuthner.

Dollfus, G. (1973). Cachet en terre cuite de djaffarabad et «cachets» apparentés. *Revue d'Assyriologie et d'Archéologie Orientale*, 67(1), 1-19.

Frangipane, M. (2007). The Seals Reconstructed from their impressions: Iconographic and

- Archéologique en Iran, Vol. 42 (Mission de Susiane). Paris: Paul Geuthner.
- Pollock, S. Bernbeck, R., & Kainert, C. (2020). Seal and Sealing from Dehsavar, In Balossi Restelli, F, Cardarelli, A., Di Nocera, G. M, Manzanilla, L, Mori, L., Palumbi, G., and H. Pittman, Pathway through Arsalantepe. Essays in Honour of Marcella Frangipane. Roma: Sapienza Università Di Roma, 379-389.
- Rashad, M. (1990). *Die entwicklung derv or-und Frühgeschichtlichen stampelsiegel in Iran*. AMI, Band 23.
- Renette, S. (2018). *Along the Mountain Passes: Tracing Indigenous Developments of Social Complexity in the Zagros Region During the Early Bronze Age (ca. 3500-2000 BCE)*. Ph.D. Thesis, University of Pennsylvania.
- Renette, S. Khayani, A., & Levine, L. D. (2021). Chogha Maran: A Local Center of the Chalcolithic and Early Bronze Age in the Central Zagros. *Iranica Antiqua*, 56, 1-169.
- Schmidt, E. (1937). Excavation at Tepe Hissar. Philadelphia: University of Pennsylvania Museum.
- Schmidt, E. F. Van Loon, M. N., & Curvers, H. H. (1989). *The Holms Expeditions to Luristan*. 2 Vols. Chicago: Oriental Institute Publications 108.
- Parker, B. (1949). Cylinder Seals from Palestine. *Iraq*, 11, 1-43.
- Parker, B. (1955). Excavations at Nimrud, 1949-1953: Seals and Seal Impressions. *Iraq*, 17(2), 93-125.
- Parker, B. (1962). Seals and Seal Impressions from the Nimrud Excavations 1955-58. *Iraq*, 24, 26-40.
- Pittman, H. (2014). Chogah Maran in the Central Zagros: The Glyptic Art of the Early Bronze, in Bieliński, P., Gawlikowski, M., Koliński, R., Ławecka, D., Sołtysiak, A., and Z. Wygnańska (eds.), *Proceedings of the 8th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East, 30 April- 4 May 2012, University of Warsaw, Volume 2 Excavation and Progress Reports Poster*. Harrassowitz Verlag, Wiesbaden, 367-382.
- Porada, E. (1947). *Seal Impressions of Nuzi, The Annual of the American Schools of Oriental Research, Vol. XXIV, 1944-1945*. New Haven: The Annual of the American Schools of Oriental Research.
- Porada, E. (1948). *Corpus of Ancient near Eastern Seals in North American collections, Vol. 1. The Collection of the Pierpont Morgan Library/catalogued and edited by Edith Porada, Plates*. New York: Pantheon.
- Porada, E. (1970). *Tchoga Zanbil IV: La Glyptique*. Mémoires de la Délégation



The Seals and Seal Impressions of Tapeh Kheibar, Ravansar - Kermanshah

Sajjad Alibaigi¹, Nicole Brisch²

DOI: 10.30495/peb.2023.702144

Abstract

Seals and seal impressions are important evidence for the economic, political, and social relationships of societies in the ancient world. By studying them, we can obtain specific information about the level and extent of the relationships between the ancient inhabitants of the site or region with its surrounding world. Previous discoveries in the region of central Zagros and especially in Kermanshah province indicate that seals have a long history. For example, in Tapeh Giyan, it goes back at least to the Early Chalcolithic and Bronze periods. Despite the importance of the findings of Chogha Maran, Dehsavar, and Tapeh Tyalineh, the number of known sites in the west of central Zagros that have a collection of seals and seal impressions is very small, and there still is not a clear view about the level of complexity of the ancient sites in the region, especially regarding the use of seals and seal impressions, nor are the technology and style of seal cutting in this region understood. In this article, the authors have tried to introduce the seals and seal impressions of Tapeh Kheibar of Ravansar, showing the importance of this site among the other sites of the region, and provide some evidence of several thousand years of using property tools in this place. The current collection of Tapeh Kheibar includes six stamp seals, four cylindrical seals, and one seal impression, which range from the Chalcolithic to the Parthian period. The most important of these is a Kassite seal with a cuneiform inscription in the Sumerian language, which may have belonged to a high-ranking person in the Tapeh Kheibar in the Kassite period (second millennium BCE).

Keywords: Ravansar, Tapeh Kheibar, seal, Proto-Elamite, Iron Age, Kassite, Neo-Assyrian Period.

* **Citation:** Alibaigi, S., & Brisch, N. (2023). The Seals and Seal Impressions of Tapeh Kheibar, Ravansar-Kermanshah. *Paāām- Bāsāānshnnās*, 14(27), 139-154. (In Persian)

¹ Assistant Professor of Archaeology, Department of Archaeology, Razi University, Kermanshah, Iran. Corresponding author: sadjalibaigi@gmail.com

² Associate Professor of Assyriology, Department for Cross-Cultural and Regional Studies, University of Copenhagen, Copenhagen, Denmark.